



قرنطینه کرونایی و مصائب آموزش از راه دور در گفت‌وگو با محمدصادق دهنادی دکترای مدیریت رسانه

## کرونا نظام آموزشی ایران را به چالش کشید

همچنین عنوان شده است که آموزش بچه‌ها در خانه‌ها انجام خواهد شد.

**دلیل این پیش‌بینی چه بوده است؟ چرا پژوهشگران در خانه آموزش دیدن دانش آموزان و به طور کلی فراگیران را انتظار داشته‌اند؟**

نگاه تافلر آینده‌پژوهانه بوده است. ممکن است پیش‌بینی برخی مشکلات همه‌گیر مانند بیماری‌ها و همین بیماری که هم‌اکنون دنیا درگیرش شده است، دلیل آن باشد. یا قدرت بشر در ایجاد ارتباطات که می‌تواند او را برای رفتن به محیط آموزشی و وادار به بیرون رفتن از خانه نکند. شاید این نکته مد نظر محققان بوده است که انسان بتواند بدون جابه‌جا شدن از خانه که تبعات زیادی مانند به وجود آمدن ترافیک، ازدحام و شلوغی خیابان‌ها و معابر، صرف هز بنه، خطرات احتمالی ناشی از آمد و رفت در سطح شهرها و به طور کلی محیط بیرون از خانه دارد، آموزش و یادگیری را از درون خانه خود انجام بدهد. بشر با این روش نیازی به اینکه خودش را به زحمت رفتن و آمدن بیندازد، همان کاری را انجام می‌دهد که با رفتن به بیرون از خانه می‌تواند انجام بدهد.

■ ■ ■

**آموزش از راه دور میحت تازه‌ای نیست و در این روزهای قرنطینه شکل نگرفته است، ضرورت شکل گیری آن در گذشته چه چیزی بوده است؟**

بحث آموزش از راه‌دور بیش از نیم‌قرن است که در دنیا در حال اجراست. دلپیشی هم این است که امکانات بشر در تمام نقاط جغرافیایی یکسان نیست و محدود است. گاهی یک خنوار سر کوهی یا جایی دور از دسترس بوده‌اند که واقعاً امکان اعزام دو یا سه آموزگار یا مدرس فراهم نبوده است، همان‌طور که این شرایط هم‌اکنون نیز در برخی نقاط دنیا وجود دارد، بنابراین عمر آموزش از راه‌دور به اندازه عمر رادیو و تلویزیون است. ولی هم‌اکنون بحث آموزش با اینترنت یک موضوع نوین و فراگیری است.

**آیا نکته‌ای در این رابطه وجود دارد که لازم بوده به آن توجه کنیم، ولی ما خیلی دیر و آن هم به دلیل ضروریاتی که این روزها وجود دارد، مورد توجه‌مان قرار گرفته است؟**

در مطالعات پیشگیرانه که توسط برخی از پژوهشگران در امریکا انجام شده، مانند تحقیقاتی که آقای تافلر و کاستلز انجام دادند، پیش‌بینی‌هایی برای آموزش در سال‌های آینده به دست آمد. طی آن تحقیقات آینده آموزش را در عصر اطلاعات به صورت آموزش از راه‌دور عنوان کرده بودند.

به عبارتی دیگر تافلر در کتاب موج سوم، که حدود ۴۰ سال پیش نوشته شد، پیش‌بینی کرده بود که تا سال ۲۰۰۰، جامعه بین‌المللی به دلایل مختلف، بسیاری از مشاغل را به درون خانه‌ها خواهد فرستاد. طی این پیش‌بینی

### نگاه

■ خاتون تهرانی آموزش از راه‌دور این روزها مسئله تازه‌دانش آموزان و دانشجویان شده است. دو ماهی می‌شود که این قشر از جامعه برای حضور در کلاس‌های خود باید از اینترنت یا تلویزیون کمک بگیرند. رضایت دانش آموزان و دانشجویان از حضور مجازی‌شان در این کلاس‌ها نکته مهمی است که باید تنها از خودشان شنید. از آنجا که همه‌جا صحبت از آموزش‌های آنلاین یا از راه‌دور و به عبارتی ابر و ماه و خورشید و فلک در کار است، باید دید که این فراگیران نظام آموزشی کشور، از تغییرات جدید چقدر رضایت دارند.

مهدیس رحمانی که هنرآموز رشته نقاشی در یکی از هنرستان‌های تهران است، آموزش آنلاین را روش خوبی می‌داند که از چند سال پیش از آن بهره برده است. او می‌گوید: آموزش آنلاین خیلی وقت است که وجود دارد و خود من چند سال هست که با بعضی از این کلاس‌ها آشنا هستم.

یکی از آشنایان او نیز که این کلاس‌ها را بر گزار می‌کند می‌گوید: خیلی‌ها با آموزش آنلاین راحت‌تر هستند، ضمن اینکه نیازی به برخی سخت‌گیری‌ها ندارد. مثلاً من نتوانستم در آموزشگاهی مشغول به کار تدریس شوم برای

تعامل ندارند یا محتواها در یک نرم‌افزار مخابراتی مانند واتس‌آپ یا نرم‌افزاری که نیاز به فیلترشکن دارد، مثل تلگرام محتوا را جابه‌جا می‌کنند و در واقع یک جریان یکطرفه برگزار می‌کنند که برای آموزش مناسب نیست. در صورتی که نرم‌افزارهای ساده‌ای وجود دارد که جلسات با آنها برگزار می‌شود و معلم می‌تواند مانند کلاس درس حضوری، واکنش‌ها و اظهار نظرهایشان را بشنود.

پیشنهاده شما در این باره چیست؟

آموزش و پرورش به جای استفاده از واتس‌آپ و حتی به جای استفاده از پلتفرم‌های داخلی مانند سروش، نرم‌افزارهایی درست کند که دقیقاً شرایط کلاس را بازسازی کند. این کار زمان زیادی نمی‌برد و چنانچه مسئولان مربوطه قصد ساخت این نرم‌افزارهای مناسب را داشته باشند، به نظر می‌آید که به سرعت امکانپذیر باشد.

**بسیاری از دانش آموزان از سرعت اینترنت گلایه دارند و بسیاری عنوان می‌کنند که به سختی می‌توانند به کلاس‌های درسی آنلاین وارد شوند و ممکن است اتصال آنها به اینترنت در طول زمان کلاس‌ها که معمولاً بین یک تا دو ساعت است، قطع و وصل شود. برای حل این مشکل چه کار می‌توان انجام داد؟**

ارائه پهنای باند مناسب برای این موضوع ضروری است. این پهنای باند که به این آموزش اختصاص داده می‌شود، باید از سایر اینترنت‌های خانگی جدا باشد، که مثلاً اگر کسانی خواستند در خانه فیلمی ببینند، آموزش بچه‌ها لغو نشود. به نظر می‌رسد باید اینترنت یکپارچه در کشور برقرار شود تا در دورترین نقاط و جاهایی که محدودیت و محرومیت وجود دارد بتوان این آموزش را انجام داد. چون ایران صرفاً تهران، نیست. هرچند که در شهر تهران هم بسیاری از افراد در برخی نقاط شهر، از سرعت پایین اینترنت گلایه دارند.

**هم‌اکنون با توجه به امکانات موجود چه کاری می‌توان انجام داد که فراگیران از درس و کلاس بیش از این عقب نمانند؟**

آموزش از راه دور فقط آموزش اینترنتی و آنلاین نیست. روش دیگر، آموزش از طریق رادیو و تلویزیون است. آموزش و پرورش در این شرایط باید تمام ظرفیت‌هایش را آزاد کند.

برخی شبکه‌ها به مسائل غیر ضروری می‌پردازند که شاید بهتر باشد در حال حاضر به آموزش از راه‌دور اختصاص پیدا کنند. به‌ویژه در ساعات کم مخاطب مانند ساعاتی از صبح که می‌توانند در اختیار آموزش و پرورش قرار بگیرند و خللی هم در برنامه‌ها پیش نیابور.

**در حال حاضر آموزش از طریق تلویزیون**

پذیرش آموزش الکترونیکی و جدی گرفتن آن باید در ابتدای امر به وسیله خانواده‌ها صورت بگیرد. به‌طور کلی گروه‌ها و کانال‌ها در شبکه‌های مجازی سال‌هاست که تشکیل شده‌اند و معلم‌ها آنها را در گوشه کار خود ایجاد کرده‌اند، ولی مشاهده می‌شود که بسیاری از آنان این گروه‌ها و کانال‌ها را جدی نگرفته‌اند تا اینکه امسال را جدی‌تر شروع کردند و به آنها اهمیت دادند

■ **هما ایرانی**
**کودکان، نوجوانان و جوانان این روزها روش‌های تازه‌ای را در نحوه آموزش خود تجربه می‌کنند. آموزش از راه‌دور این روزها مسئله تازه زندگی دانش آموزان و دانشجویان شده است. این قشر بزرگ و مهم از جامعه که قرار است آینده کشور در دستشان باشد، با روش‌هایی که پیش از آن سر و کار زیادی با آن نداشت، بر سوادش می‌افزاید. هم‌اکنون در شرایط تازه‌ای است. تجربیاتی قرظینه در شهرهای کشور، این قشر و این حال تجریبات تازه‌ای است. تجربیاتی که در آینده‌ای نه چندان دور تأثیرش را بر جامعه خواهد گذاشت. تجربیاتی که شاید هم خوب باشد و هم بد.**

شاید بسیاری از شما یادتان باشد در دوران دفاع مقدس دانش آموزان و نوجوانان همین سی و چند سال پیش به همراه خانواده‌های خود در گریز از بسیاری از شهرها، برای مدتی طولانی با مدارس خداحافظی کردند. درهای مدارس بسته شد آن‌هم به مدتی طولانی. آموزشی هم از راه‌دور برگزار نمی‌شد. هنوز درس «باز باران با ترانه» را به یاد دارم که معلم دبستان به همراه

درس‌های دیگر پشت سر هم در بازگشایی دوباره مدارس به ما می‌آموخت و ما هم گنج و میبوت اما خوشحال از آمدن دوباره‌مان به مدرسه آنها را یاد می‌گرفتم.

اگر امروز فرصتی فراهم شود تا تمام دانش آموزان و دانشجویان آن سال‌ها که گاهی با تریس و لرز به مدرسه می‌رفتند، گاهی به دلیل حملات کشور عراق مدرسه‌هایشان بسته بود و گاهی نیز به دلیل گریز از محل سکونت خود به مدرسه نمی‌رفتند، بتوانند چند خطی درباره

آن روزها سخن بگویند. حرف‌هایی شنیدنی خواهیم شنید که از مجموع آنها چه کتاب‌های گرانبهایی که به یادگار خواهد ماند. تجربیاتی که هر یک از ما در آن دوران پیدا کردیم هنوز هم پس از گذشت چند دهه در زندگی ما

ملموس است.

درس‌ها با افتادن آب‌ها از آسیاب دوباره خوانده و همه چیز از سر گرفته شد. نه تنها معلم‌ها و آموزگاران، کتاب‌ها را به پایان رساندند، که سال‌های پس از آن هم یکی پس از دیگری

آمد و بچه‌ها با در کلاس‌ها حاضر شده و بزرگ و بزرگ‌تر شدند. آنچه آموزش از آن سال‌ها به یاد فراگیران هم‌دوره‌ای من و احتمالاًمثال من در آن سال‌ها مانده، تجربیاتی است که در لابه‌لای اتفاقات آن روزها به یادمان مانده است. برخی با رها کردن شهر و دیار خود، در شهرها و جاهایی ساکن شدند که پیش از آن برایشان ملموس نبود. قومیت‌های مختلف با فرهنگ‌های خاص خود از شهری به شهر دیگر رفتند و با زندگی‌هایی روبه‌رو شدند که شاید پیش از آن برایشان قابل تصور هم نبود. مردم در این مهاجرت‌ها یاد گرفتند سازگار شوند و ما کودکان و نوجوانان در آن روزها بیش از همه این سازگاری‌ها را به خاطر می‌سپردیم.

یادم می‌آید پدرم در محافظت از ما تصمیم

### نگاه



قدر این روزهای با هم بودن را بدانیم

## کسب تجربیاتی بی‌مانند در خانه

### به جای مدرسه

گرفت ما را که خانواده‌ای پرجمعیت بودیم، در روستایی دورافتاده در حاشیه یکی از شهرها سکنی دهد. جایی که درونش مستقر شدیم مانند خانه خودمان نبود و نه راحتی آنجا را داشت. برایم جایی غریب و ناملموس بود. ولی هیجان رفتن و ماندن در آنجا را به یاد آوردم. اینکه فضای تازه‌ای در زندگی‌مان پیش آمده بود برایم جالب و پرهیجان بود. خانواده‌ای افغان در نزدیکی محل اقامت ما زندگی می‌کردند که اتفاقاً دختری هم‌سن و سال من داشتند. یادش به خیر، حتی کارهایی که او گاهی از روی شیطنت انجام می‌داد را به یاد دارم ولی وجود او باعث شد تا بتوانیم به محل زندگی هم سر بزنیم و او با فرهنگ خانواده‌مان آشنا شود و من با فرهنگ خانواده او. مادر بزرگش شیرینی‌هایی به شکل گندم ولی بسیار بزرگ‌تر از دانه‌های گندم درست و هر یک را به دقت در روغن سرخ می‌کرد. هنوز طعم خوشمزه و بی‌نظیر آن شیرین‌های خانگی را به یاد دارم که دیگر در هیچ نظفیرش را ندیدم و نخوردم.

تجربیاتی که در آن ماه‌ها و سال‌ها در لابه‌لای سفرها با خانه‌نشینی‌ها پیدا می‌کردم بسیار بیشتر از آن چیزی بود که در کتاب‌ها و تمرینات درسی مدارس می‌آموختم. به راستی با توجه به تعطیلی مدارس، هم بیشتر بود و هم به یاد ماندنی‌تر.

هم‌اکنون که مدارس تعطیل شده است و دانش آموزان و دانشجویان مانند آن روزها درهای بسته مدارس را تجربه می‌کنند بهتر است خانواده‌ها تجربیات آن سال‌ها را به یاد بیاورند. بسیاری از ما این روزها نگران یادگیری و تحصیل دانش آموزان و نوجوانان هستیم و بسیاری دیگر اعتقاد دارند که جبران این روزها دیگر امکانپذیر نخواهد بود چون هر چه باشد زمان در حال از دست رفتن است. اما بهتر است

این را بگویم که نگرانی چیزی نیست که امروز به آن نیاز داشته باشیم، ما امروز به آرامش نیاز داریم و هر آن چیزی که خانه‌هایمان را آرام کند.

بیماری درد و رنج و اندوهی به دنبال دارد که همه از آن ناراحت هستیم، اما تجربیاتی به همراه دارد که به خواست خدا بچه‌های ما این روزها در حال تجربه کردن آنها هستند و نه تنها

دانش آموزان و دانشجویان که تمامی افراد در حال تجربه آنها هستند.

بیماری چیزی خوبی نیست، ولی شاکر باشیم از اینکه فرصتی برای تجربه‌های تازه و بی‌مانند برای فرزندانمان فراهم شده است. سال‌ها بعد، همین نسلی که ما امروز نگران یادگیری یا نگران حال و اوضاعشان هستیم، چیزهایی را خواهند گفت که شاید بیش از چیزهایی باشد که ما پدران و مادران امروز از سال‌های کودکی خود به یاد می‌آوریم.

این تجربیات سواد زندگی افراد را بالا می‌برد و نگران تجربه‌کردن و آموزه‌هایی که در سال‌های تجربیات به دست می‌آورد، نباشیم. سال‌هاست با وجود شبکه‌های مجازی حتی افرادی که با کتاب بیگانه بودند هم هر روز پیام‌هایی دریافت می‌کنند که نکات مختلف آموزشی را به آنها منتقل می‌کند. این مطالب بارها برای ما مطرح شده و در زندگی‌مان رد و بدل شده‌اند، شاید بسیاری از آنان را به یاد



**شاکر باشیم از اینکه فرصتی برای تجربه‌های تازه و بی‌مانند برای فرزندانمان فراهم شده است. سال‌ها بعد، همین نسلی که ما امروز نگران یادگیری یا نگران حال و اوضاعشان هستیم، چیزهایی را خواهند گفت که شاید بیش از چیزهایی باشد که ما پدران و مادران امروز از سال‌های کودکی خود به یاد می‌آوریم. این تجربیات سواد زندگی افراد را بالا می‌برد پس نگران تجربه‌کردن و آموزه‌هایی که در سایه این تجربیات به دست می‌آورد، نباشیم**